

● تهیه و تنظیم:
عصمت اسماعیلی

پایان نامه ها کی تحصیلی

من ناشنیده گویم از خویشتن چو ابر
چون کوه نیستم که بود لفظ او صدا
مسعود سعد (به نقل از فصل دهم رساله)

«پایان نامه سنت و نوآوری در شعر معاصر که عنوان دکتری را برای قیصر امین پور، شاعر ارجمند معاصر، به ارمغان آورد از ساختاری نوین و بحثی نه چندان جدید، اما از دیدگاهی تازه برخوردار است. آقای امین پور به دور از «القائات ژورنالیستی با اصول آکادمیک و تحقیقات دانشجویی و به صورتی معتدل» آن را نگاشته است.

آقای امین پور در «سرآغازنامه» رساله خود می گویند:

«این کار مقدمه و پیش درآمدی است در باب موضوعی فراخ دامان و ناپیدا کران. کار ایشان نه پایان نامه که آغازنامه ای است و حاشیه ای بر طومار بی آغاز و انجام سنت و نوآوری؛ گزارشی مختصر از جستجو و گشت و گذار برای یافتن سرخ کلاف سردرگمی که ابتدای آن در تاریکی های آغاز آفرینش و انتهای آن در ابهام افق های آینده ناپدید است. بنا به گفته ایشان مسأله سنت و نوآوری اگر نه مهم ترین، دست کم یکی از مهمترین مسائل قلمرو هنر و ادبیات است؛ بویژه در جوامعی مانند جامعه ما که دوره گذار را پشت سر می گذارند. دشوارترین مسأله، چگونگی پیوند سنت و نوآوری است.

در مقدمه رساله آمده است: طومار تاریخ ادبیات و هنر جهان را با ترکیبهای گوناگون این دو حرف نوشته اند؛ بلکه راز بقا و امتداد هنر و ادبیات و سرآستمرار و اشتداد حرکت و حیات در همین پیوند زاینده و فرآیند فزاینده نهفته است.

شعر و ادبیات معاصر نیز اگرچه در نظر برخی، نسبت به درخت پرشاخ و برگ ادبیات کهنسال، نهالی نارس یا نارس

می نماید، اما هر چه باشد، حتی ریشه نهال های جوان هم در خاک نهان است. و باید برای یافتن ریشه های نهفته آن به کندوکاو بیشتر پرداخت؛ تا بتوان دریافت که آیا شعر معاصر تافته ای جدابافته است و یا ریشه های این نهال و آن درخت کهنسال به هم برتافته است و یا اینکه این دو ریشه یکی بیش نیست؟

آقای امین پور برای یافتن این ریشه ها، دورخیز به دیروز و پریروز و نگاهی اجمالی به شعر فارسی را از آغاز تا امروز ضروری دانسته و به آن پرداخته اند. و پیش از آن، دو مفهوم «سنت» و «نوآوری» را کاویده و بازنموده اند و البته در پرداختن به این کار از حوزه ادبیات دور شده اند و در نتیجه از ایجاز و چابکی رساله کاسته اند و بیشتر بر صفحات آن افزوده اند؛ بی آنکه در نتیجه گیری نهایی، تأثیری از بحثهایی چون طرح سنت و نوآوری در حوزه دین، روان شناسی و جامعه شناسی بگیرند!

گذشته از فصل آغازین این رساله که به اصول اساسی و بنیادین و مبادی و مبانی موضوع پرداخته، نویسنده، در فصل دوم با نقل و نقد نظریات و رویکردهای رایج در این زمینه و طرح شبهات موجود که در نتیجه آمیزش این دو مفهوم پدید آمده، به سه موضوع سنتهای دینی، هنرهای دینی و سنتی و سنتهای هنری پرداخته است، تا در پرتو این روشنگری معنی و نقش و کارکردهای سنت و نوآوری و پیوند پویای آن دو در عرصه هنر و ادبیات آشکارتر گردد.

در فصل چهاردهم این رساله، نویسنده کوشیده است تا در برآورد کلی رهاورد شعر مشروطه و مطالعه مجموعه نوآوری های دوره «گذار» نشان دهد که آیا شاعران آن دوره

توانسته اند همزمان با انقلاب اجتماعی مشروطه به هدف مورد نظر خود (انقلاب ادبی) که تقریباً همگان داعیه و ادعای آن را داشتند، دست یابند یا نه و چرا به جای انقلاب ادبی به «ادبیات انقلابی» رسیده اند و آن گاه تفاوت این دو تعبیر را بیان کرده اند.

در فصل پایانی رساله که در اصل، آغاز فصلی تازه در شعر معاصر قلمداد شده و انگیزه نهایی در نگارش رساله حاضر است، دوره جدید به دو مرحله تقسیم شده؛ مرحله اول عصر ثبات و سال‌های تمرین و تکمیل و نوگرایی است که از فصل نهفتگی تا شکفتگی شعر نو را در بر دارد. نویسنده در این بین اوضاع تاریخی و اجتماعی آن مرحله را به اختصار مورد تفحص قرار داده زمینه های فرهنگی ظهور نیما و انتشار نخستین آثار او را بازنمایانده است. گزیده هایی از آثار شاعران این مرحله و چگونگی نقد و نظر آنها در باب نوآوری قسمت دیگری از این فصل است. نویسنده سپس شاعران این مرحله را در دو طیف سنت گرا و نوگرا دسته بندی می کند.

نویسنده در مرحله دوم دوره جدید، به بررسی آزادی نسبی آغاز این دوره و به تثبیت نوگرایی در شعر پرداخته است که در واقع فصل شکفتگی شعر نو را تا رسیدن به آستانه پختگی در بر دارد.

رساله بعد از نگاه اجمالی به نشریات و گروههای ادبی موافق و مخالف نوگرایی و ارائه برخی از آثار ارائه شده در این گروهها، به شرح احوال و آثار چند تن از پیشروان گروه نوگرایان سنتی پرداخته و دلایل نوگرایی آنها را در نظر و عمل ارائه کرده است. در پایان این فصل، درباره تفاوت های شعر نیمایی با شعر سنتی از دیدگاه پژوهش گران معاصر سخن رفته و فشرده نظریات نیما فهرست وار آمده است.

در واقع رساله آقای امین پور به دو بخش اساسی ناگفته تقسیم شده است که بخش نخست شامل فصول کلی و مبانی نظری بحث است و بخش دوم شامل فصول مصداق هاست نویسنده در فصل اخیر بر اساس زمینه های پیش گفته، به کار بررسی و تحلیل سنت و نوآوری در شعر شاعران معاصر و سیر تاریخی آن از دوره مشروطه تا سال ۱۳۳۳ دست زده است.

آقای امین پور معتقد است: گره گاه اصلی این رشته (سنت و نوآوری) در دوره مشروطه و اوج گره گشایی آن در سال های ۱۳۰۰-۱۳۳۲ است و سرشت و سرنوشت تازه شعر معاصر در طول این سالها شکل گرفته و پس از آن هر چه هست ادامه این سررشته است.

ایشان در نقد و بررسی ها و در طرح کلی تحقیق از منابع قدیم و جدید و فارسی و عربی و غربی بهره گرفته اند و اغلب ارجاعات در پایان هر فصل آمده است؛ ضمن اینکه گزیده ای از کتابنامه رساله نیز در پایان ذکر شده است.

هر فصل از رساله اگر چه مستقل به نظر می رسد، ولی متکی بر مقالات پیشین و متکای مباحث پسین به حساب می آید و در نهایت همه مقالات با بر خورداری از پیوستگی لازم، مکمل یکدیگرند.

نمونه هایی از نوآوری و سنت گرایی برخی از شاعران معاصر در فصول پایانی رساله با توضیحات کامل نقل شده است:

نوآوری در قالب و زبان شعر بهار:

بیابید ای کبوترهای دلخواه
بدن کافورگون پاها جو شنگرف
بپرید از فراز بام و ناگاه
به گرد من فرود آید چون برف

(ص ۳۷۱ رساله)

بهارا همتی جو، اختلاطی کن به شعر نو
که رنجیدم ز شعر انوری و عرفی و جامی
مکرر گر همه قند است خاطر را کند رنجه
ز بادامم بد آید بس که خواندم چشم بادامی!

(ص ۳۷۳ رساله)

شعری با مصراع های کوتاه و بلند از لاهوتی در بحر مضارع:

دور از رُخت سرای درد است خانه من
خورشید من کجایی؟
سرد است خانه من.

(ص ۳۹۷ رساله)

زیاده روی در استفاده از صنایع لفظی و معنوی در شعر فرخی با وجود نوگرایی:

غار ت غار تگران گردید بیت المال ملت
باید از غیرت به غارت داد این غار تگران را

(ص ۴۰۱ رساله)

این شعر نیما از نظر موسیقی و شکل بیرونی اندکی شباهت با ترجیع بند سعدی دارد:

هان ای شب شوم و وحشت انگیز
تا چند زنی به جانم آتش؟
یا چشم مرا ز جای بر کن
یا پرده ز روی خود فروکش
یا بگذار تا بمیرم

(ص ۴۶۷ رساله)

و سعدی ...

ای سرو بلند قامت دوست
وه وه که شمایلت چه نیکوست ...
بنشینم و صبر پیش گیرم
دنباله کار خویش گیرم

رشید یاسمی جدیدترین پدیده ها را با زبان قدیم ترین شاعران توصیف می کند (تقلید از زبان، قالب و وزن و ... رودکی):

چراغ برق را بینی که بر گردش حُبّاستی
نو گوئی گرد قرص آفتاب اندر سحابستی

(ص ۴۷۸ رساله)

و درباره هوایما با تغییر قالب:

ای طایر تندسیر زیبا

کت ز آهن و روی استخوان است

وقتت بر این زمین مکان است

گاهیت به نزد ابر ماوا

آمیزه ای از ترکیبات و تعبیرات قدیمی با حال و هوای

نوگرایی در شعر خانلری:

آب آرام و آسمان آرام

دل ز غم فارغ و روان پدرام

سایه بیدین فناده در آب

ماه چون دلبری فکنده حجاب

تن سیمین بشوید اندر آب

مرغ شبخوان ز دور در آواز

در دل از بانگش اندھی دلساز

خاطر از یاد یار مالا مال

(ص ۵۴۶ رساله)

سرسپردگی توللی به آیین و سنت شعری قدیم:

شعر ما را پایه آیین است و بس

راه ما ایرانیان این است و بس

و آن گاه ادعای نوآوری توللی:

شعر نوراً من یکی شالوده ام بی گفتگو

و اندر این هنگامه باک از خصم غوغاییم نیست

هر که را اندیشه نو شد هر چه پردازد نو است

راه آن قالب شکن، راهی که بنماییم نیست

(ص ۵۵۶ رساله)

رساله ۵۷۹ صفحه ای آقای امین پور در پانزده فصل به این

شرح ترتیب یافته است:

سرآغازنامه

فصل اول: تعاریف و معانی سنت و نوآوری

الف. سنت

ب. بدعت و نوآوری

فصل دوم: الف. سنت و نوآوری در هنرهای دینی و سنتی

ب. معنی و نقش سنت و نوآوری در هنر و ادبیات

فصل سوم: تحول و تکامل هنر و ادبیات

- تحول، ترقی، تکامل

- راز ماندگاری آثار هنری و ادبی

- نظریه های تحول و تکامل هنر و ادبیات

- تاریخ گرایی

- اندام وارگی

- فرسایش

- مُد

- فرمالیستها

- ساختگرایان

- هرمنوتیک

فصل چهارم: جامعه شناسی سنت و نوآوری

- جامعه سنتی و جامعه صنعتی

- عوامل تداوم سنت

- عوامل مؤثر در نوآوری

فصل پنجم: روان شناسی سنت و نوآوری

- تخیل، خلاقیت، نوآوری

- عوامل مؤثر در آفرینندگی

- موانع نوآوری

- پیدایش و تحول سبکهای هنری از نظر روان شناسی

فصل ششم: سنت و نوآوری در فرهنگ مردم ایران

فصل هفتم: سنت و نوآوری در شکل و محتوا و سبک

الف. شکل و محتوا

ب. سبک

فصل هشتم: سنت و نوآوری در نقد ادبی عرب و ایران

الف. نقد ادبی عرب

ب. نقد ادبی ایران

- تذکره نویسی

فصل نهم: تجلی سنت و نوآوری در تحول قالبها و قواعد

شعر فارسی (از آغاز تا امروز)

فصل دهم: سنت و نوآوری در شعر فارسی (از آغاز تا

بازگشت)

فصل یازدهم: دوره بازگشت

فصل دوازدهم: دوره مشروطیت

الف. زمینه های اجتماعی و فرهنگی شعر مشروطه

ب. نقد و نظر در شعر دوره مشروطه

ج. شعر در دوره مشروطه

د. شاعران مشروطه

- بهار

- ادیب الممالک فراهانی

- ایرج میرزا

- دهخدا

- عارف قزوینی

- میرزاده عشقی

- ابوالقاسم لاهوتی

فصل سیزدهم: دوره گذار

فصل چهاردهم: از ادبیات انقلابی تا انقلاب ادبی

فصل پانزدهم: ادامه دوره گذار و آغاز دوره جدید

- مرحله اول (۱۳۰۰-۱۳۲۰)

- نشریات

- انجمن های ادبی

- آثار ادبی

- شاعران و نویسندگان (نیما، عشقی، بهار، رشید یاسمی،

محمد مقدم، تندرکیا)

- کتابهای تذکره و گزیده آثار

- دسته بندی شاعران مرحله اول

- مرحله دوم (۱۳۲۰-۱۳۳۲)

- نشریات

- موافقان و مخالفان نوگرایی

- نخستین کنگره نویسندگان ایران

- دسته بندی شاعران معاصر

- پرویز ناتل خانلری

- فریدون توللی

- تفاوت های شعر آزاد (نیمایی) با شعر سنتی

کتابنامه (گزیده)

شرق ایران آنها را تاجیک و در غرب ایران «تات» می نامند. حدود پانزده میلیون تاجیک به طور پراکنده در کشورهای آسیای میانه و ... زندگی می کنند که بیشترین تعداد آنها در تاجیکستان است.

شعر فارسی و زبان فارسی در ماوراء النهر: بیان مختصری از تاریخ شعر فارسی و زبان فارسی در ماوراء النهر است.

مقدمه ای بر شعر امروز تاجیک: از اینجا بحث اصلی و مرتبط با موضوع رساله شروع می شود. که آقای قزوه طی آن با قلم روان و گله مند وارد مقوله سیاسی - اجتماعی دیروز و امروز شکست شعر تاجیک شده و سرنوشت برخی شاعران تاجیک را بعد از انقلاب اکتبر یادآوری کرده است. او سخت گله می کند و شکایت ها دارد که مگر می گذارند تاجیک چشم بگشاید و ببیند دیروز که بوده و امروز کیست و راه فردایش از کدام آبادی می گذرد. امروز زبان فارسی به ظاهر دیروزی، زنده است اما چه زبانی؟ زبانی بی روح! زبانی که دیگر قادر نیست آن همه عظمت دیروز را منتقل کند؛ زبانی که چون جسدی مومیایی تنها هیبت و شکل و شمایل دارد. فضای شعر تاجیک سنگین و دم کرده است و وسعت پرواز ندارد و در واقع شهرت زدگی، فضای شعر تاجیکستان را سیاه کرده است. محقق در این رساله معتقد است که تاریخ مصرف ادبیات «رنالیسم سوسیالیستی» به سر آمده و نوگرایان جسور، پیشگامان شعر معاصر تاجیک هستند.

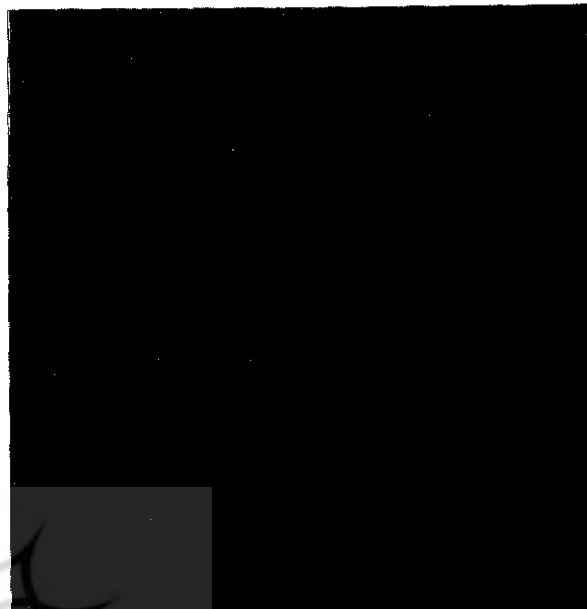
نسلهای مختلف شعری در یکصدسال اخیر: آقای قزوه شاعران قرن اخیر تاجیک را به پنج نسل دسته بندی کرده و در هر دسته شاعران مربوط را با ذکر نمونه ای کوتاه از شعرشان یاد کرده است:

نسل اول، شاعرانی چون عینی، پیرو سلیمانی، محمدخان رحیمی و سیدای نسفی را در برمی گیرد.

نسل دوم، مبدأ آن در انقلاب اکتبر است و شاعرانی چون رحیم زاده، دهاتی، توریسون زاده و ... را شامل می شود. قزوه در شعر شاعران این دوره به برخی عیوب وزن و قافیه با ذکر نمونه ها اشاره کرده و گرایش مفهوم شعر آنها را به خلق و سوسیالیسم نمایانده است.

نسل سوم، در این دوره این نامها بیشتر جلب توجه می کند: جان شکوهی، غفار میرزا، قهاری، آشور سفری و ... در میان سنت گرایان این نسل، نوپردازانی چون مؤمن قناعت و مستان شیرعلی نیز وجود دارند. از نظر محقق، این نسل در شعر تاجیک پرتکاپو بوده است.

نسل چهارم، نامهای شناخته شده این دوره شاعرانی چون بازار صابر، عبدالله قادری، مظفر یادگاری، لایق شیرعلی، گل نظر، دارا نجات و ... هستند. که از نظر پژوهشگر، این نسل، نوگرا و نواندیش و صاحب سبک و تجربه است. از نظر آقای قزوه، این دوره دارای شاعرانی با روحیه متفاوت است علی الخصوص کسانی چون دارا نجات که در ارتقاء شعر سپید تاجیک تأثیر فراوانی گذاشته و خواهد گذاشت و شعر او از سبک



این پایان نامه با هدف آشنایی با شعر معاصر تاجیک و معرفی شاعران برجسته آن و شناخت و نقد نقاط قوت و ضعف شعر امروز تاجیک، به کوشش شاعر معاصر، علیرضا قزوه در ۱۵۰ صفحه با دیدی منتقدانه نگارش یافته و با تکیه بر مجموعه شعرهای امروز تاجیک و یاری گرفتن از فرهنگ های فارسی و تاجیکی و پژوهش های دیگری که در این زمینه انجام شده، به طور روشنگرانه ای شعر امروز تاجیک را مورد بررسی قرار داده و در معرض دید و شناخت مخاطب نهاده است.

برجسته ترین عناوین فصل نخست رساله به ترتیب زیر است:

سخنی کوتاه درباره قوم تاجیک: محقق محترم، شعر تاجیک و محدوده قومی آن را تنها منحصر در مرزهای سیاسی کشور تاجیکستان نمی داند و می نویسد: تاجیک ها یکی از قدیمی ترین اقوام ایرانی اند که هم اینک در سرزمین های تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ایران، پاکستان، چین و ... روزگار می گذرانند و از قول شیرین آکیتز نویسنده کتاب اقوام مسلمانان شوروی نقل می کند که: تنها اقوامی که توانستند زبان ملی خود را حفظ کنند، پامری ها یا غلجایی ها و یا تاجیکهای ساکن دره های مرتفع پامیر غربی بودند که توانستند همچنان زبان ایرانی شرقی خویش را حفظ کنند.

قزوه می نویسد: به تاجیک ها در افغانستان «پارامیون» می گویند که مخفف صفت مرکب «پارسی زبان» است. مردم

سهراب سپهری متأثر است :

من به امامت کوه اقتدا کرده‌ام

و کوه با لهجه آب آبه خواند

تفکر آب

به شریان شاخه‌هایم دوید

نسیم تاویل آمد از فراسوها

تا به روشنی گل‌های یاسین

مرا غرق کند...

آقای قزوه نثرزدگی شعر دارا نجات و بی‌بهرگی شعر او را

از موسیقی درونی واژه‌ها مورد انتقاد قرار می‌دهد.

نسل پنجم، شعر این نسل که نسل امروز تاجیک هست

متعلق به شاعران زیر است :

گل رخسار، ضیاء عبدالله، نذری یزدان، کمال نصرالله،

رحمت نذری، نظام قاسم و ... وی در میان شاعران امروز

تاجیک برای دو شاعر یعنی «محمدعلی عجمی» و «نظام قاسم»

حسابی جداگانه باز کرده و با نقل نمونه‌هایی بیشتر از شعر آن

دو، به تحلیل و بررسی آثارشان اهتمام ورزیده است. اینان

جوانترین نسل شعر تاجیک هستند. کسانی چون رستم

وهاب‌نیا، سلیم ختلانی، جنیدی و ... که با تلاش خود شعر

تاجیک را از یکنواختی در آورده‌اند و ضمن آنکه به میراث ادبی

خویش به دیده احترام می‌نگرند، از پرواز در افق‌های تازه غافل

نیستند. و نیم‌نگاهی به شعر نوی جهان دارند و از شاعران ایرانی

سهراب، فروغ و نیما را به خوبی می‌شناسند.

نگاهی به برخی واژه‌های بومی تاجیک : نویسنده رساله به

ویژگی شعر امروز تاجیک که استفاده از واژه‌های بومی هست

اشاره می‌کند و نمونه‌هایی از کلمات و شعرهای مربوط به آنها را

با توضیح معنی لغات، ضمیمه این بحث می‌کند. وی معتقد

است که در استفاده از واژگان شعری «زبان معیار» مبنای اصلی

است. و نیز زیبایی کلمات و همین‌طور ادبیات سترگ ما و

سخن گفتن روان پدر و مادرهایمان نقش اساسی دارند. قزوه در

اینجا به‌طور مختصر به برخی مسائل زبان معیار و کلمات بومی

اقوام ایرانی و دایره واژگان شعر فارسی اشاره کرده و نمونه‌های

ارزنده‌ای از دایره لغات تاجیک و واژگان فارسی بیان می‌کند.

قالب‌های رایج در شعر تاجیک : این قسمت بحث کوتاهی

است در بسامد استفاده از قالب‌های مختلف شعری و برخی

قالب‌های ویژه آن دیار.

مضامین شعر امروز تاجیک : همچنان که در رساله جای

کمی را اشغال کرده است خود نیز از محدوده کوچکتری

برخوردار است. قزوه با ذکر پنج نمونه از آثار تاجیک، برخی از

مضمون‌های آنان همچون وصف طبیعت، وطن، مذهب و

اخیراً موضوع کربلا را یادآوری می‌کند و محدودیت مضمون را

در شعر تاجیک از کاستی‌های آن می‌داند.

نگاهی به برخی ویژگی‌های شعر امروز تاجیک : تحت این

عنوان، پژوهشگر ضمن معرفی برخی آثار منتشره در باب شعر

تاجیک ویژگی‌های برجسته آنها را ذکر کرده و اذعان دارد که شعر

تاجیک در ایران بسیار بد معرفی شده است. در پایان این فصل از

رساله، ارجاعات و منابع عنوان‌های پیشین توضیح داده شده

است.

در ادامه رساله نوعی تغییر فصل ناگفته مطرح است چرا که

در پی این ذکر منابع، سمت و سوی مطالب عوض می‌شود و

شامل عنوان‌های زیر است :

زنان شاعر معاصر تاجیک : که از بزرگان زن در شعر

تاجیک به نام ستاره، مهتاب و فرزانه برمی‌خوریم.

نگاهی به مجموعه شعر پیمان : نقد و بررسی و ذکر

اشکال‌های وزنی آثار منتشره در این کتاب مورد نظر نویسنده

رساله است.

وطن در شعر معاصر تاجیک : محقق به خاطر برجستگی

مضمون وطن در اشعار تاجیکی قسمت جداگانه‌ای را به این

عنوان که در واقع زیر مجموعه مضمون در شعر تاجیک است،

اختصاص داده و با ذکر چند نمونه، آن را نشان داده است.

نمونه‌هایی از تأثیر سهراب سپهری بر شعر معاصر تاجیک :

این موضوع که قبلاً نیز به آن اشاره شده قسمت اندکی از رساله را

به خود اختصاص داده است.

شعر کودک : زمینه‌های شعر کودک و نقاط ضعف و قوت آن

با تکیه بر شعر چند شاعر مورد بررسی قرار گرفته است و

نمونه‌های یاد شده اشعار به تمامی کودکانه نبوده و شامل

ویژگی‌های شعر کودک نیست و محقق نیز آنها را قابل قبول

نمی‌داند.

درباره شعر طنز : قزوه وضعیت شعر طنز را نیز همچون

شعر کودک در تاجیکستان آشفته می‌بیند و معتقد است که

طنزهای آن دیار به سختی تبسمی کم‌رنگ را بر لبان خواننده

می‌نشانند.

نگاهی به برخی از چهره‌های شعر معاصر : این عنوان بحثی

تذکره مانند درباره ده تن از شاعران تاجیک است که هر کدام با

ذکر یک نمونه از شعرشان مورد مطالعه قرار گرفته و محقق،

شعر و سبک آنها را معرفی و تحلیل کرده است.

از جمله شاعران معرفی شده در این فصل اسامی زیر به

چشم می‌خورد :

میر سعید میرشکر، رحیم زاده، حبیب یوسفی،

تورسون زاده، مستان شیرعلی، لایق شیرعلی، حق نظر غایب

و ...

فصل دوم این رساله گزیده اشعار است که بدون هیچ

توضیحی - جز معنی بعضی لغات در پاورقی - به ترتیب تاریخی

حیات شاعران از بین بهترین اشعار تاجیک در قالب‌های

کلاسیک و نو انتخاب شده است.

کتابنامه شعر معاصر تاجیک فصل مفیدی است که در پایان

رساله آقای قزوه تنظیم شده و قطعاً ادامه کار پژوهشگران دیگر را

آسانتر می‌سازد

پانویس :

۱. از بیانات دکتر شفیعی کدکنی در جلسه دفاع.